

عنوان مقاله:

عاقبت اندیشی در مثنوی معنوی با تاکید بر مفهوم اول و آخر

محل انتشار:

سومین همایش متن پژوهی ادبی (نگاهی تازه به آثار مولانا) (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسندگان:

پروین گلی زاده - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

بهمن ساکی - دانشجوی دوره ی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

ولی الماسی - دانشجوی دوره ی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

خلاصه مقاله:

اساس کار مولانا برای تفهیم امر عاقبت اندیشی چنان که در مثنوی دیده می شود و یکپاز اهداف تعلیمی آن است، بکارگیری تمامی دانسته ها و آموخته های اوست. مولاناکوشش نموده است تا از همه ظرفیت های موجود به ویژه تمثیل و داستان پردازی براینمایاندن وجوه مختلف و ابعاد وسیع عاقبت اندیشی بهره گیرد. داستان سرایی در نزد مولانا بهترین شیوه برای ابلاغ و رساندن جان کلام و تفهیم ساده و عینی آن به مخاطب است و محصول نهایی این داستانها اندیشه در عاقبت امور برای رسیدن به فرجامینیک است. گرچه اول و آخر عنوانی کلی برای این بحث میباشد اما فرایندی که مولانا برای روشن کردن مفهوم و رسیدن به جان کلام و پیام خود از اول تا آخرتمثیل ها و قصه های خود طراحی می کند دارای استدلال بدیع و منطقی است. دردیدگاه مولوی، امر عاقبت بینی و پایانگری برای همه امری ضروری است و حتیعاقبت بینی خداوند و تدابیر الهی در خلقت انسان و ارسال رسل را از شمولعاقبت اندیشی می داند. ماحصل کلام مولوی این است که حسن فرجام انسان بسته بهعاقبت اندیشی و درک صحیح او از پایان کار برای رسیدن به رضایت خداوندگار است.

کلمات کلیدی:

مولانا، اول، آخر، عاقبت اندیشی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/639758>

